



واحه

گاهنامه علمی، فرهنگی

شماره نهم - ویژه نامه اسفند ۱۴۰۰

ایران جان

- اسلام درباره نوروز چه می گوید؟
- حقایق از جشن سوری
- نوروز از کجا آغاز شد؟
- سلامی به طبیعت
- جای خالی در تقویم امروز ما
- دو لبه یک قیچی



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



واحه

گاهنامه علمی فرهنگی بسیج دانشجویی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه
شهید بهشتی، سال هفتم، شماره نهم،
ویژه نامه اسفند ۱۴۰۰

آدرس دفتر نشریه: تهران، بزرگراه
یمن، میدان شهید شهرباری، بلوار
دانشجو، دانشگاه شهید بهشتی،
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دفتر
بسیج دانشجویی

مدیر مسئول: مهدی رجبعلی

شورای سردبیری: سپیده رضایی - فاطمه امیری

صفحه آرا: زینب نظری

طراح جلد: صبا ابراهیمیان

همکاران این شماره: فاطمه امیری، سپیده
رضایی، مبینامختاری، عاطفه اسماعیلی،
فاطمه منصوری

فهرست

- ۴ ایران جان
- ۵ اسلام درباره نوروز چه می گوید؟
- ۷ حقایقی از جشن چهارشنبه سوری
- ۹ نوروز از کجا آغاز شد؟
- ۱۱ سلامی به طبیعت
- ۱۴ جای خالی در تقویم ما
- ۱۷ دو لبه یک قیچی
- ۱۹ عکس های شما

يا مقلوب القلوب والاصفار
يا مظلوم بل هو السحاب والاحوال
يكون حلتنا ابي الحسن الاحوال



سرافاز

ایرانِ جان

فاطمه امیری / کارشناسی تاریخ

تشبیه کرد که در گوشه‌ای از خانه ما (ایران) قرار گرفته است و ما (نسل امروز) بهره لازم از آن نمی‌بریم». گنجینه‌ای که گرد و غبار هزاران ساله بر روی آن نشسته است و جوانان ما امروز دست به دامان فرهنگ ضد فرهنگی غرب شده‌اند. البته درست است که ما تا به امروز از این گنجینه کهن بهره کافی را نبرده‌ایم ولی از جهات دیگر می‌توان اینگونه برداشت کرد که همین فرهنگ بوده است که ما را تا به امروز مستحکم و زنده نگاه داشته است. جشن‌های ایران باستان از قدیمیترین رویدادهای تاریخی در ایران هستند که نام بعضی از آن‌ها امروزه در فهرست میراث معنوی ایران و یونسکو به ثبت رسیده است. پژوهشگران با مطالعه روی اسناد تاریخی به جای مانده از دوران ایران باستان، به زمان برگزاری این جشن‌ها پی برده‌اند. نوروز آیین ماندگار ایران باستان و تجلی فرهنگ غنی این مرز و بوم است. سنتی نیک که ریشه در باور و اعتقاد ملتی بزرگ دارد و گستره پهناوری از ایران فرهنگی را در برمی‌گیرد و رهاوردی با ارزش از گذشته و تاریخ غنی این دیار کهن به شمار می‌رود که با تولد دوباره طبیعت پیوندی عمیق دارد. اینک پس از گذشت چندین سده هنوز هم جلوه‌های با شکوه آن را می‌توان به نظاره نشست و شاهد پویایی و نشاط جامعه به بهانه آغاز سال نو بود. تکاپوی مردمی که پس از گذشت یک سال به استقبال آیین پیشینیان خود می‌روند و امید دارند که سالی سرشار از شادی و نشاط را شروع کنند. امید است این ویژه نامه مورد قبول شما عزیزان واقع گردد؛ و هم چنین تشکر فراوان از کسانی که در این شماره همراه ما بودند.

زمانی که به اطراف خویش می‌نگریم، نابسامانی‌های زیادی به چشم می‌خورد که اغلب باعث می‌شود حالمان خوب نباشد. در میان تمام این احوالات، تقویم است که به ما می‌گوید: «سال نو نزدیک است». هر چند قریب به دو سالی است که به علت وجود ویروس منحوس همه چیز رنگ و بوی گذشته را ندارد. اما همیشه سال جدید محوریت آرزوها، اهداف، زیبایی و از همه مهم‌تر تغییر است. می‌توان با رویت تغییر در طبیعت، پویایی را از درون آغاز و در سال جدید به انسانی با ویژگی‌ها و رفتارهایی بهتر از انسان سال قبل تبدیل شد. علاوه بر این، در هر کشوری سال نو به شیوه‌ای جشن گرفته میشود و در ایران نیز از گذشته تا کنون همین طور بوده است. از آنجایی که برگزاری جشن یکی از عناصر بسیار مهم در تاریخ و فرهنگ هر کشوری است در این شماره از واحه تصمیم برآن شد که تحت عنوان ایران ما نگاهی به تمدن کهن و درخشان کشورمان و مهم‌ترین مناسبت‌های نوروزی به عنوان پرونده ویژه اسفند ماه داشته باشیم. چرا که به وسیله آشنایی با تاریخ گذشته می‌توان حال را بهتر شناخت و آینده را نیکوتر ساخت، و بدانیم سرزمین کهن ایران که از هزاران سال پیش نهال فرهنگ و تمدن را در خود بارور ساخته است سهم انسانی داشته است. سخن گفتن پیرامون فرهنگ ایرانی بسیار سنگین و دشوار است. زیرا که پشتوانه این فرهنگ چندین هزارساله، مملو از تجربیات و فراز و نشیب‌های گوناگون است که اگر ما بتوانیم آن را گسترش و پرورش دهیم و با روزگار امروز مدرنش کنیم ملت ما نه تنها یکی از خوشبخت‌ترین ملت‌های جهان می‌شود بلکه می‌تواند دیگر کشورهای گیتی که حیاتشان به چندین سده هم نمی‌رسد را سیراب نماید. گستره این فرهنگ کهن، امروزه با وجود مرزهای غیر واقعی شامل کشورهای تازه استقلال یافته: تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان، داغستان، کردستان، افغانستان، پاکستان، عراق و بحرین می‌باشد. امید بسیار داریم که فرزندان برومند این سرزمین با تمام نیرو این فرهنگ را احیا کنند و بار دیگر نه تنها در ایران کنونی بلکه در تمامی سرزمین‌های ایرانی اطراف ما که با مرزهای غیر واقعی، بی‌کفایتی و توطئه‌های استعمارگران جدا شده‌اند نیز گسترش دهند. «فرهنگ هفت هزارساله ایرانی را امروز میتوان به مانند یک صندوقچه‌ای کهن



اسلام درباره ی نوروز چه می گوید؟

دیدگاه اسلام درباره نوروز و مناسبت‌های ایرانی

فاطمه منصوری/علوم تربیتی دانشگاه گیلان

خود را یافت...؛ همچنین روز ظهور حضرت مهدی (عجل الله) را هم نوروز دانسته و روز کشته شدن دجال را هم منابع اسلامی نوروز دانسته‌اند. بنابر روایات، ما باید در این ایام انتظار گشایش در کارهایمان را داشته باشیم. علامه مجلسی در «السماءوالعالم» از امام صادق (علیه‌السلام) روایتی آورده است: «در آغاز فروردین، آدم آفریده شد و آن روز فرخنده‌ای است برای طلب حاجت‌ها و برآورده شدن آرزوها و دیدار پادشاهان و کسب دانش و زناشویی و مسافرت و داد و ستد. در آن روز خجسته بیماران بهبودی می‌یابند و نوزادان به آسانی زاده می‌شوند و روزی‌ها فراوان می‌گردد.» ایشان در کتاب «زاد المعاد» خوانندگان را به خواندن دعای یا مقلب القلوب والابصار یا مدبر اللیل والنهار یا محول الحول و الاحوال حول حالتنا الی احسن الحال در لحظه تحویل سال سفارش میکند. معنی بن خنیس به نقل از امام صادق روایتی آورده مبنی بر این موضوع: «چون نوروز شود غسل کن و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش و به بهترین بوی‌های خوش خود را معطر گردان؛ پس چون از نمازهای پیشین و پسین و نافله‌های آن فارغ شدی، چهار رکعت نماز بگذار یعنی هر رکعت به یک سلام و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه انازلنا و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت سوم بعد از حمد ده مرتبه قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را بخوان و بعد از نماز به سجده شکر برو و این دعا را بخوان.» شاید این نکته برایتان جالب باشد که هفت سین تمام المان‌هایش علاوه بر اینکه به ایران باستان باز می‌گردد اسلامی نیز هستند، زیرا در طول زمان بعضی از آداب و رسوم و المان‌های فرهنگی ایرانیان با فرهنگ اسلامی آمیخته شدند و به پختگی رسیدند. (البته خالی از لطف نیست که این را هم در پراکنش بیان کنم، سفره عقد و مراسم ازدواج در ایران بر خلاف دید بسیاری از افراد که خیال میکنند تماما اسلامی است، اینطور نیست و تمام المان‌های سفره عقد، خطبه عقدی که خوانده می‌شود و حتی رسم مهریه از ایران باستان نشئت می‌گیرد که بعد از ورود اسلام این رسوم پذیرفته شدند). همانطور که قبل‌تر گفتیم عباسیان در تجدید حیات فرهنگ اسلامی بسیار مفید بودند و خیلی از آن‌ها را تقلید کردند؛ برای مثال رسم هدیه

همانطور که میدانیم ایران پیش از اسلام آداب، رسوم و جشن‌های بسیاری داشته که تا قرن‌ها پا برجاست. بعد از ورود اسلام این آداب همچنان به قوت خود باقی ماند و به حیات خود ادامه داد. این امر گویای سه نکته است: اول) غنی بودن فرهنگ ایرانیان دوم) برخورد مسالمت‌آمیز و انسانی اسلام با فرهنگ‌های مختلف سوم) سیاست‌های عباسیان. یکی از مهم‌ترین آن جشن‌ها، نوروز است که در متون اسلامی و روایات، احادیث زیادی درباره تکریم نوروز از اهل بیت و بزرگان دینی به چشم می‌خورد که در ادامه به چندی از آن‌ها اشاره می‌شود؛ در منابع دینی آمده است که در نوروز عده از ایرانیان با یک سینی حلوا نزد پیامبر (صل الله علیه و آله) آمدند و به پیامبر تعارف کردند که پیامبر (ص) از آن‌ها مناسبت این کار را پرسید که گفتند امروز نوروز است و پیامبر فرمودند: «عید بزرگ ایرانیان... در این روز بود که خداوند عسکره را زنده کرد...»، «عسکره» مردمی بودند از بنی اسرائیل که به دلیل ترس از مرگ، وطن خود را ترک کردند و سر به بیابان گذاشتند که خداوند به آن‌ها امر کرد بمیرند و مردند و سپس آن‌ها را با فرستادن آب باران زنده کرد (برای اطلاع بیشتر به سایت‌ها و کتاب‌های مرتبط مراجعه کنید). امام صادق (علیه السلام) در جایی می‌فرمایند: آیه ۲۴۳ سوره بقره اشاره به همین داستان دارد که در نوروز رخ داده است.» این روایت نشان دهنده اهمیت این روز در اسلام است، و این موضوع را آنجا بیشتر متوجه می‌شویم که ماجرای غدیر خم، بزرگ‌ترین عید شیعیان نزدیک نوروز رخ داده است. در جای دیگری آمده در همین ایام در زمان خلافت امیرالمومنین (علیه السلام) مجوسیان (زرتشتیان ایرانی محوس نام داشتند) با ظروفی از نقره که درون آن‌ها شکر بود نزد ایشان آمدند و هدیه دادند که حضرت هدایا را با روی باز پذیرفتند و ظروف را هم به عنوان جزیه به خزانه بیت‌المال تحویل دادند. در اسلام نوروز را روزی می‌دانند که خداوند از بندگان پیمان گرفت تا او را پرستش کنند، روزی که امیرالمومنین در جنگ نهروان پیروز شد، اولین روزی که خورشید در آسمان درخشید، روزی که جبرئیل بر پیامبر نازل شد، در ایام نوروز بود که کشتی حضرت نوح به خشکی نشست و گل‌ها در چنین روزی رویدند و حضرت سلیمان در این روز فرخنده انگشتر معجزه‌آسای



ادامه از صفحه قبل



این روزها در احادیث و روایات اسلامی، بخصوص روایات شیعه؛ رسم پیشکش هدایا و بهبود وضع اقتصادی خلفا، آغاز سال مالیاتی و خوشحالی و شادمانی مردم، می‌توان تصور کرد که اگر شرایط طور دیگری رقم می‌خورد اکنون نوروزی باقی نمی‌ماند، همانگونه که جشن‌های ماهانه، مهرگان و بسیاری از جشن‌های باستانی ادامه نیافتند... در هر حال نوروز جشن بزرگی است که بسیاری از ادب انسانی را بزرگ و زنده نگه میدارد؛ صله رحم، فراموش نکردن بزرگان، عیدی دادن و دیدن لبخند کودکان، طراوت و تازگی و سرشار از انرژی مثبت پسندیده است در این دو هفته در کنار همه مشغله‌ها و سرزردن‌ها پدران و مادر بزرگان آرام گرفته در خاک و عزیزانی که در خانه‌های سالمندان و آسایشگاه جانبازان هستند فراموش نکنیم؛ خانه‌هایی که کودکانشان کسی را برای عیدی دادن و لباسی برای به تن کردن ندارند از یاد نبریم. کادر درمانی که تک‌تک روزها را در بیمارستان هستند تا من و شما عید خوبی داشته باشیم را با دید و بازدیدهای کنترل نشده نامید نکنیم. با آرزوی سالی پر از تلاش و ثمره بخش برای تک‌تک مردم جهان.

منابع

مستدرک الوسائل؛ مُحدث نوری (م ۱۳۲۰ق)

المناقب؛ ابن شهر آشوب (۵۸۸ق)

نوروز باستانی از دیدگاه اسلام؛ حسین ملا احمدی شورکی

دادن در نوروز را از ساسانیان فرا گرفتند؛ و همچنین گزارش‌های تاریخی در این باره مطرح شدند؛ برای مثال عبدالله بن طاهر به تقلید از اردشیر پسر بابک، انوشیروان و بهرام پنجم (معروف به بهرام گور) در جشن‌های مهرگان و نوروز از خزانه‌اش لباس‌هایی به مردم هدیه می‌داد تا آنجا که هیچ لباسی در خزانه باقی نمی‌ماند. حاکمان عباسی به رسم هدیه گرفتن از مقامات به شدت علاقه نشان می‌دادند؛ تا آنجا که از مهمانان درباره هدیه‌هایشان می‌پرسیدند و دستور می‌دادند تا لیستی از هدایای مقامات تهیه شود (شاید این رسم در مراسمات عروسی کنونی است که خانواده عروس و داماد یک فهرست از هدایای مهمانان تهیه می‌کنند از اینجا آمده باشد) همچنین خلفا در ایام نوروز دستور به ضرب پنج میلیون سکه رنگی را می‌دادند تا به عنوان عیدی به درباریان تقدیم شود. یکی از رسوم که در آن زمان رواج داشت نمایشی بود که بازیگران طنز به نام «اصحاب السماحه» اجرا می‌کردند؛ اینگونه که ماسکی بر چهره داشتند و خلیفه بر روی آن‌ها سکه و عطر و گل می‌انداخت. شاعرانی هم بودند که به عنوان تحفه و هدیه خود برای خلیفه اشعار ممتلغانه می‌سرودند. در واقع اگر منطقی به قضیه نگاه کنیم، پررنگ‌تر شدن و جدی گرفتن رسوم ایرانیان هم برای مردمان ایرانی و هم خلفا و درباریان دارای نفع شخصی و اجتماعی بود؛ زیرا از طرفی ایرانیان دوست داشتند رسوم قدیمی و اجداد خود را زنده نگاهدارند و همچنین از آن طرف خلفا از رسم هدیه دادن برای بهره بردن شخصی و منفعت اقتصادی استفاده می‌کردند؛ همچنین نکته‌ای شاید کمتر به آن توجه شود این است که با در نظر گرفتن علائق طیف وسیعی از رعیت عباسیان که ایرانی بودند توانستند جامعه را برای سالهای سال نسبتاً آرام نگه دارند. علاوه بر نوروز جشن چهارشنبه سوری هم که یادگاری از دوره ساسانی است در زمان عباسیان و دوره اسلامی هم ماندگار شد؛ تا آنجا که مردم طی شش روز و شش شب بر پشت بام‌هایشان آتش روشن می‌کردند و بر روی یکدیگر آب می‌پاشیدند، که حاکمان هم نمی‌توانستند در این امر جلودار مردم باشند پس ناچار به همراهی مردم بودند. یکی دیگر از رسوم که در این ایام رایج بود، اخذ مالیات بود که از همان سال‌های نخستین حکومت اسلامی به دلیل شروع بهار انجام می‌شد و صرفاً بعدها با نوروز تلاقی کرد. با همه این اوصاف میتوان نتیجه گرفت چند عامل در ماندگاری نوروز و جشن‌های ایرانی نقش داشتند؛ اهمیت آن برای اسلام و بزرگداشت



حقایقی از جشن چهارشنبه سوری

بررسی پیشینه چهارشنبه سوری

عاطفه اسماعیلی / کارشناسی تاریخ

هزاران سال می‌رسد و برای آن شناسنامه‌ای در نظر می‌گیرند. برخی دیگر معتقدند، ایرانیان دلیل این جشن را بخاطر گذر سیاوش از آتش «مراسمی جهت اثبات بی‌گناهی» و آتش را بازمانده و یادگار او می‌شناسند. اما عده‌ای دیگر از مردم دلیل این شب را بخاطر مرگ سیاوش می‌دانند و برای پشتیبانی از پاکدامنی‌اش، این مراسم را به جای می‌آورند. آتش در بین ایرانیان عنصری بود که الودگی و پلشتی‌ها را از بین می‌برد. پس آیین آتش افروزی را در چهارشنبه آخر سال، اجرا می‌کردند تا نامبارکی این روز را به وسیله آتش از بین ببرند و به جای آن درخشندگی و پاکی نصیب آن‌ها شود. ریشه‌ای غیرآیینی برای چهارشنبه‌سوری نیز قابل بررسی است: برافروختن آتش که کاربردهای بهداشتی و خاصیت گندزدایی داشته، احتمالاً جزوی از برنامه‌های نظافت عمومی پیش از آغاز سال جدید بوده، به‌ویژه اینکه دور انداختن و شکستن کوزه‌های قدیمی و مصرف شده در طول سال نیز از رسوم رایج در چهارشنبه سوری بوده‌است. از لحاظ ریشه‌شناسی، واژه «چهارشنبه سوری» از دو واژه‌ی چهارشنبه که نام یکی از روزهای هفته است و واژه‌ی سور به معنای سرخ تشکیل شده است. در این زمان مردم

در بین تمامی ملت‌ها و جوامع گوناگون روزهایی به جشن و پایکوبی اختصاص داده می‌شد که ریشه‌ی این جشن‌ها و آیین‌ها به تفکر مردم بر می‌گردد. آیین برافروختن آتش در ابتدای سال نو یکی از جشن‌های اصیل و باستانی ایرانیان است که همچنان اجرا می‌شود. چهارشنبه سوری یکی از جشن‌های ایرانی است که با نام‌های جشن چهارشنبه سوری پایان سال و شب چهارشنبه سرخ نیز شناخته می‌شود و در آخرین چهارشنبه‌ی پایانی‌ترین ماه سال (اسفند) برگزار می‌گردد. البته این جشن نزد ایرانیان قبل از اسلام در روز خاصی برگزار نمی‌گردید و تنها در اواخر زمستان که زمین در حال گرم شدن بود انجام می‌شد، اما بعد از حمله‌ی اعراب و در دوران اسلامی این جشن به آخرین چهارشنبه‌ی سال موکول شد زیرا چهارشنبه در نزد اعراب روزی نحس و شوم بود و آن را یوم الارباع می‌گفتند و بر این باور بودند که روزهای نحس و شوم را باید با عید و شادمانی گذرانند تا شیاطین و اجنه فرصت رخنه در انسان را نیابند. در مورد قدمت و ریشه‌ی این جشن نظرات متفاوتی ارائه شده، عده‌ای از پژوهشگران معتقدند این جشن ریشه در مذهب ایرانیان دارد و جزء جشن‌های بسیار کهنی است که قدمت آن به



ادامه از صفحه قبل

تخته چوب‌های قدیمی و شاخه‌های شکسته شده‌ی درختان را جمع می‌کردند و آتش بزرگی را در میدان شهر می‌افروختند و آتش را تا صبح زود و برآمدن خورشید روشن نگه می‌داشتند، دور آن مرد و زن و پیر و جوان حلقه می‌زدند و عده‌ای با گفتن جمله‌ی «زردی من از تو، سرخی تو از من» از روی آتش می‌پریدند که این جمله بیانگر مراسمی برای تطهیر مذهبی است که واژه‌ی سور در معنای سرخ به آن اشاره دارد و به عبارت دیگر مردم با این کار انتظار دارند آتش، رنگ پریدگی و زردی، بیماری و مشکلات، کهرختی و سستی آن‌ها را بگیرد و به جای آن سرخی و سلامتی و نیرو به آن‌ها بدهد. در بعضی منابع هم واژه سور را تلفظ تغییر یافته‌ی واژه شور، نشاط و عیش معرفی کرده‌اند و معتقدند، آخرین چهارشنبه اسفند شب عیش، عشرت، پایکوبی و سرور است. در ایران باستان، چند روز پیش از نوروز عده‌ای به نام آتش افروزان که پیام‌آور این جشن بودند به روستاها می‌رفتند تا مردم را برای این آیین آماده کنند. آتش افروزان زنان و مردانی هنرمند بودند که با برگزاری سرودها و آوازهای شورانگیز و نمایش‌های خیابانی به سرگرم کردن و خشنود ساختن مردم می‌پرداختند و هفت روز پیش از نوروز تا دوهفته پس از نوروز آتش‌هایی می‌افروختند که این آتش نماد و نشانه‌ی نیروی مهر و نور و دوستی بود و هدف این عده برگرداندن نیروی فزاینده و نیک به مردم برای چیره شدن بر غم و افسردگی بود. کتابیون مزداپور نویسنده و پژوهشگر زرتشتی درباره‌ی ارتباط چهارشنبه سوری با آیین زرتشتی می‌گوید: جشن‌ها و آیین‌های ایرانی به همه‌ی ایرانیان تعلق داشته‌اند و دارند. بسیاری از آن‌ها به دوران پیش از مهاجرت آریاییان به این سرزمین باز می‌گردند و خیلی از آن‌ها مانند چهارشنبه سوری هرگز زرتشتی نبوده‌اند. در شاهنامه‌ی فردوسی نیز اشاره‌هایی درباره‌ی بزم چهارشنبه ای که در نزدیکی نوروز وجود دارد شده است که نشان دهنده‌ی کهن بودن این جشن است. آیین آتش افروزی پیش از نوروز به گونه‌های دیگر نزد مردمان دیگر کشورها نیز پدیدار می‌شود. به عنوان مثال آریاییان قفقاز هنوز در این شب هفت توده آتش می‌افروزند و از روی آن می‌جهند. یا بنا بر آیینی در سوئد شبی را که «والبور» خوانده می‌شود به عنوان آغاز بهار می‌شمارند و در آن آتشی بزرگ می‌افروزند و پیرامون آن به جشن و شادی می‌پردازند و همچنین نمونه‌ی دوردستی از آتش افروزی نوروزی را نزد مردم روستاهای جنوبی رومانی می‌توان مشاهده کرد. در تاجیکستان و ازبکستان، بخارا و سمرقند، در آخرین چهارشنبه سال همه‌ی مردم تن خود را می‌شویند و به حمام می‌روند، مردان موی سر خود را می

خود را می‌شویند و به حمام می‌روند، مردان موی سر خود را می تراشند.

آیین‌های چهارشنبه سوری

افروختن آتش: عنصر بنیادین چهارشنبه سوری آتش است و در مناطق گوناگون ایران در شب چهارشنبه سوری گاه سه کپه آتش به نشانه‌ی سه پند بزرگ ایرانیان باستان: اندیشه نیک و کردار نیک و گفتار نیک یا هفت کپه آتش به نشانه‌ی هفت امشاسپندان فراهم می‌کنند. قاشق زنی: در این رسم پسران و دختران جوان چادری روی سر خود می‌انداختند تا شناخته نشوند و به در خانه‌ی دوستان و همسایگان خود می‌روند و صاحب خانه از صدای قاشق‌هایی که به کاسه‌ها می‌خورد به در خانه می‌آید و در کاسه‌های آنان آجیل چهارشنبه سوری، شیرینی و شکلات و نقل و پول می‌ریزد. قاشق زنی احتمالاً نشات گرفته از این عقیده است که ارواح نیک درگذشتگان در رستاخیز آخر سال به شکل افرادی که رویشان پوشیده شده به میان زندگان می‌آیند و زندگان برای یاد بود و برکت به آن‌ها هدیه‌ای می‌دهند. و قاشق زنی استفاده‌ی ارواح از زبان بدنی به جای زبان گفتاری است. فال گوشی و گره گشایی: یکی دیگر از رسم‌های چهارشنبه سوری است که در آن دختران جوان نیتی می‌کنند و پشت دیواری می‌ایستند و به سخن رهگذران گوش می‌دهند و سپس با تفسیر صحبت آن‌ها پاسخ نیت خود را می‌گیرند. آجیل مشکل گشا: در گذشته پس از پایان آتش افروزی، اهل خانه و خویشاوندان دور هم جمع می‌شدند و آخرین دانه‌های نباتی مانند: تخمه هندوانه، تخمه کدو، پسته، فندق، بادام، نخود، تخمه خربزه، گندم و شاهدانه که از ذخیره‌ی زمستان باقی مانده بود، روی آتش مقدس بو داده و با نمک تبرک می‌کردند و می‌خوردند. آن‌ها بر این باور بودند که هر کس از این معجون بخورد با افراد دیگر مهربان می‌شود و کینه و رشک از او دور می‌گردد. امروزه اصطلاح نمک گیر شدن و نان و نمک کسی را خوردن و در حق وی خیانت نورزیدن از همین باور سرچشمه گرفته است. البته امروزه جشن چهارشنبه سوری با استفاده از مواد محترقه‌ی گوناگون اجرا می‌شود که باعث مصدومیت‌ها و آسیب‌های جدی به کودکان و بزرگسالان می‌گردد و باعث شده مردم ترجیح دهند این روز را در خانه بمانند و خبری از اجرای آیین‌های آیین‌های کهن این مراسم زیبای باستانی نیست.

منابع: ۱. مرادی غیاث آبادی، رضا، با چهارشنبه سوری در فاصله پنج هزار کیلومتری از کردستان تا چین، مجله آوین، سال چهارم شماره ۱۶، ویژه نوروز، ۲. الهامی، امیر (۱۳۷۹) چهارشنبه سوری و ریشه‌های فرهنگی آن در ایران، فرهنگ اصفهان، شماره ۱۷ و ۱۸ زمستان، ۳. حالت، ابولقاسم. چهارشنبه سوری و آیین‌هایش، مجله حافظ، شماره ۱۲، ۴. دوستی، شهرزاد، شاهرودی المیرا، (۱۳۹۰)، آیین‌ها و مراسم چهارشنبه سوری در فرهنگ عامه، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۲۷



نوروز از کجا آغاز شد

ریشه‌یابی واژه‌ی نوروز و پیشینه‌ی آن

مینا مختاری/کارشناسی تاریخ

برج هوت یعنی ۱۷ روز مانده به آخر زمستان واقع شده بود. در آن زمان بود که جلال الدین ملک‌شاه سلجوقی ترتیب داد تا تقویم جدید جلالی را درست کنند و نوروز را اول بهار که زمان تحویل آفتاب به برج حمل است، قرار بدهند و ثابت نگه دارند. با توجه به مطالب گفته شده نوروز از مراسمات کهن و قدیمی ایرانیان است که در سال ۴۷۱ ق.م به فرمان جلال الدین ملک‌شاه سلجوقی، عمر خیام و چندین منجم دیگر تقویم جلالی را تنظیم کردند و نوروز را در روز اول بهار یا نخستین روز برج حمل قرار دادند. بعضی از روایت‌های تاریخی شروع نوروز را به بابلیان نسبت می‌دهند. طبق این روایت‌ها رواج پیدا کردن نوروز در ایران به قبل از میلاد یعنی زمان کوروش کبیر به بابل باز می‌گردد. همچنین برخی دیگر از روایت‌ها زرتشت را به نوروز متصل می‌کنند بعضی از روایت‌ها متون تاریخی کهن را که عبارت است از شاهنامه‌ی فردوسی، تاریخ طبری جمشید و دیگر متن‌ها؛ کیومرث را به عنوان پایه‌گذار نوروز معرفی کرده‌اند. فردوسی از منابع پهلوی استفاده کرده و کیومرث را پایه‌گذار نوروز معرفی کرده است. در شاهنامه نوروز را اینگونه روایت کرده: جمشید در حال گذشتن از آذربایجان دستور داد تا تختی در آن جا بگذارند و خودش با یک تاج زرین بر روی تخت نشست؛ با رسیدن نور خورشید به تاج زرین، او و جهان نورانی شادمانی کردند. و آن روز را روز نو نامیدند. نوروز در لغت: به معنی روز نو و در اصطلاح جشنی است که در آغاز فروردین گرفته می‌شود.

واژه‌ی نوروز از زبان فارسی میانه nogroz گرفته شده که ریشه در زبان اوستایی دارد. مورخان معادل اوستایی آن را navaka raocah حدس زده‌اند که امروزه در فارسی این برای ۲ معنی استفاده می‌شود: ۱. نوروز عام روز آغاز اعتدال بهاری برابری شب و روز و آغاز سال نو ۲. نوروز خاص روز ششم فروردین با نام روز خرداد. ایرانیان باستان از نوروز به عنوان ناواسردا یعنی سال نو یاد می‌کردند. مردمان آسیای میانه در دوره‌های سغدیان و خوارزمشاهیان، نوروز را نوسارد و نوسارجی به معنای سال نو می‌خواندند. نوروز در واقع سمبل خوبی بر بدی بر بدی است. پیشینه‌ی نوروز: نوروز در دوران قدیم ابتدای بهار نبود، بلکه در فصول سال در گردش بود؛ گاهی به بهار و گاهی به زمستان و تابستان می‌رسید. در ایران ۲ جشن وجود داشت یک جشن که مهرگان نام داشت در آغاز فصل سرما؛ و جشن نوروز که در آغاز گرما شروع می‌شد. هر دو را به خاطر آغازین روز فصل و یا سرما، نوروز می‌گفتند و مدت اجرای جشن‌ها در نوروز معمولاً چند روزی بیشتر نبود. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد این جشن در عهد قدیم یعنی زمانی که تدوین بخش کهن اوستا انجام می‌شده در آغاز برج حمل، یعنی آغاز بهار انجام می‌شده. شاید به صورتی که الان برای ما مشخص نیست زمان آن را در برج مزبور ثابت نگه می‌داشتند. آن چنان که از تاریخ مشخص است در دوره‌ی ساسانیان روز اول فروردین ماه در اول بهار نبود. بلکه مانند عید فطر در میان فصول می‌گشت. اما نه به سرعتی که اعیاد عربی می‌گردند. در سال ۶۶۷ هجری قمری نوروز در ۲۳



ادامہ از صفحہ قبل

نوروز در زمان سلسلہی ہخامنشیان

کوروش دوم یا کوروش کبیر کہ بنیان گذار سلسلہی ہخامنشیان نوروز را در سال ۵۳۸ قبل از میلاد، جشن ملی اعلام کرد. او برای این روز برای ترفیع سربازها، تمیز کردن و پاکسازی مکان‌های عمومی و همچنین خانہ‌های شخصی و بخشش محکومان اختصاص دادہ بود. پادشاہان دیگر ہخامنشی نیز این اعمال را در ہمین روز انجام می‌دادند. در زمان داریوش یکم مراسم نوروز در تخت جمشید برگزار می‌شد. مدارک موجود نشان می‌دهد کہ داریوش اول ہخامنشی بہ مناسبت نوروز در سال ۲۱۶ قبل از میلاد سکہ‌هایی ضرب کرد کہ در یک سوی آن سربازی در حال تیراندازی نشان دادہ شدہ است. در دورہی ہخامنشیان جشن نوروز مدت زمانی بین ۲۱ اسفند تا ۱۹ فروردین داشتہ است.

نوروز در زمان اشکانیان و ساسانیان

برگزاری جشن نوروز در دوران اشکانیان و ساسانیان دست کم مدت شش روز طول می‌کشید. نوروز در آن عہد بہ نوروز بزرگ و نوروز کوچک تقسیم می‌شد. نوروز کوچک مدت پنج روز از یکم تا پنجم فروردین و ششم فروردین جشن خاصہ یا نوروز خاصہ نامیدہ می‌شد؛ این نوروز خاصہ ویژہی نزدیکان بود. در دوران ساسانیان ۲۵ روز قبل از آغاز بہار انواع حیوانات برنج، گندم، جو، نخود، ارزن و لوبیا را می‌کاشتند و تا روز شانزدهم فروردین آن را جمع نمی‌کردند. ہر کدام از گیاہان کہ بارورتر شود، در آن سال محصول بہتری خواہد داد. در این دوران رسم بود کہ در بامداد نوروز بہ یکدیگر آب بپاشند. از زمان ہرمز اول مرسوم شد کہ مردم در شب نوروز آتش روشن کنند همچنین در آن زمان رسم دادن سکہ در نوروز بہ عنوان عیدی متداول شد.

جغرافیای نوروز

مناطق قریبی کہ در آن جشن نوروز برگزار می‌شد امروزہ شامل کشورہای زیادی می‌شود. اما برخی از آیین‌های کشورہا با ہم متفاوت ہستند. جغرافیای نوروز با اسم نوروز یا مثل آن در کشورہایی مثل بحرین، یمن، امارات کویت، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، آذربایجان، قزاقستان، تاتارستان و ہمہی آسیای میانہ چین غربی بخشی از سودان زنگبار، ترکیہ، سوریه، عراق، سراسر قفقاز تا استراخان، ہندوستان، پاکستان، بنگلادش، نپال، تبت، و... دیدہ می‌شود. کردہا در کشورہای مختلف عید نوروز را جشن می‌گیرند زمانی کہ نوروز فرا می‌رسد کردہا با گردہمایی در بیرون از خانہ بہ استقبال بہار می‌روند. در این گردہمایی‌های نوروزی زنان کرد لباس‌های رنگی می‌پوشیدند و شال‌های پر زرق

و برق بر سرشان می‌اندازند؛ و مردان جوان نیز پرچم‌هایی بہ رنگ سبز، زرد و سرخ را برافراشتہ؛ رقص و پایکوبی می‌کنند و بہ دور آتش می‌گردند و عید نوروز را زندہ نگہ می‌دارند.

غذای نوروزی

یکی از رایج‌ترین و متداول‌ترین غذایایی کہ ہنگام فرا رسیدن عید نوروز پختہ می‌شود سمنو است. این غذا از جوانہی گندم درست می‌شود، کہ در بیشتر کشورہایی کہ نوروز را جشن می‌گیرند یافت می‌شود. در بعضی از کشورہا درست کردن این غذا ہمراہ با آیین خاصی است. در مناطقی مثل افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان مراسم پخت سمنو بہ صورت دست جمعی انجام می‌شود؛ و گاہی در طول شب بہ ہمراہ شعر و سرود خوانی این مراسم انجام می‌شود. پختن غذای دیگر نیز در زمان فرا رسیدن نوروز مرسوم و رایج است؛ برای مثال در ایران پختن سبزی پلو با ماہی بسیار رواج دارد همچنین پخت شیرینی‌هایی مثل شیرینی نخودچی. اما در کشورہای دیگر همچون افغانستان سبزی پلو با ماہی در تاجیکستان باج، در قزاقستان اویقی اشار و در بخارا انواع سمبوسہ پخت می‌شود. بہ طور کلی باید بگوییم کہ غذای نوروزی ہر کشور با توجہ بہ رسوم و آداب آن کشور تہیہ می‌شود، و ہر کشوری غذاہا و شیرینی، مواد غذایی منحصر بہ فرد خودش را تہیہ می‌کند.

نتیجہ گیری

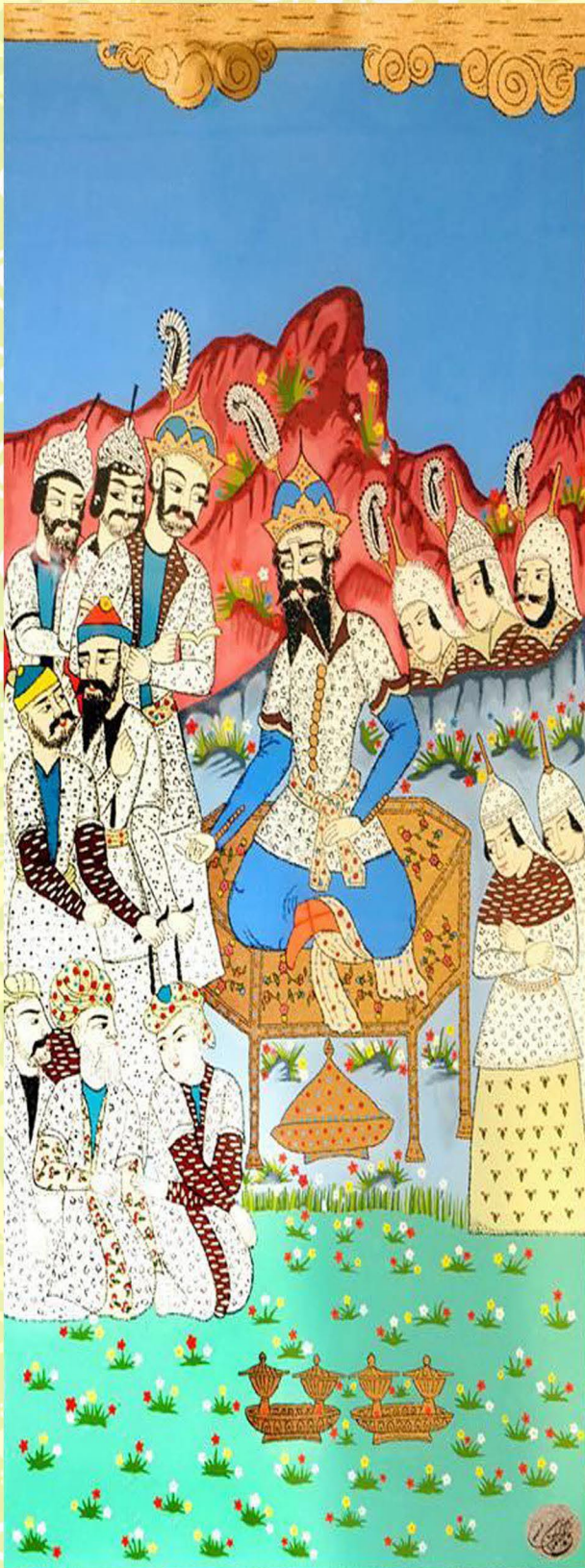
بی‌شک باید گفت کہ هیچ قومی عیدی مانند نوروز را مثل ایرانیان و ملت‌های مرتبط با آن را در گذشتہ نداشتہ و ندارند این موضوع بسیار با ارزش و با اہمیت است کہ رہبران مذہبی این سرزمین کہن و با اصالت، با پاسداشت نوروز یک جان و صفای دیگر بہ آن اضافہ نمودہ‌اند. توجہ رہبران مذہبی بہ این عید باستانی موجب تقدس آن نیز شدہ و از ہمین رو است کہ سنت‌ها و آیین‌های دینی و مذہبی با ہم جمع شدہ‌اند. جشن نوروز قریب بر ۳ ہزار سال است کہ با تمام زیبایی‌هایش در سرزمین ایران و سرزمین‌های دیگر پابرجاست. نوروز یکی از محورہای وحدت ایرانیان و همچنین مسلمانان است. می‌توان با قطعیت گفت کہ نوروز روح و ہویت ایرانی را تجلی می‌بخشد؛ و شکوفا شدن طبیعت بہ نوعی بازگشت بہ خویشتن را دارد. در واقع این عید نشان دہندہ ی جوان و نیرومند بودن ہمہ سالہی ایران است. باید در این جشن با نیاکان ہم صدا شد و دست بہ دعا برداشت و خدای را سپاس گفت و برای این ہمہ نعمت و زیبایی دست بہ دعا برداریم و بگوییم منش بد، شکست می‌خورد و منش نیک پیروز می‌شود، دروغ شکست بیاید و راستی بر آن پیروز شود.



سلامی به طبیعت

بررسی پیشینه سبزه به در

فاطمه امیری / کارشناسی تاریخ



نوروز و آیین‌های مربوط به آن از عناصر بارز فرهنگ و تمدن ایران به شمار می‌رود و تمامی این مراسمات از خانه تکانی تا چهارشنبه سوری و سبزه به در ریشه در آیین‌های کهن ایرانی دارند. در مورد نام سبزه به در نیز تعابیر گوناگونی وجود دارد. یکی از این تعابیر این است که مردم در این روز نحسی را در طبیعت به در می‌کنند (در کردن نحسی در طبیعت) و به همین دلیل هم به طبیعت می‌روند. روز سیزدهم سال نو گویا در دوران‌های کهن روز ویژه طلب باران بهاری برای کشتزارهای نودمیده بوده است. روزهای ماه در ایران قدیم نامی ویژه داشت و هر یک متعلق به ایزدی بود و روز سیزدهم متعلق به ایزد تیر یا «تیشتری» بود، که ایزد باران است. برای این که این ایزد پیروز باشد، لازم بود که همه مردمان در نماز از او نام برند و او را بستانند و از او طلب باران کنند. روز سیزدهم نوروز گویا روز رسمی همه مردم برای طلب باران، برای همه سرزمین‌های ایران بوده است و افکندن سبزه‌های تازه دمیده نوروزی به آب روان جویبارها تمثیلی است از دادن فدیة به ایزد آب آناهیتا و ایزد باران و جویبارها «تیر». در این روز مردم همه به دشت و صحرا می‌روند و از بامداد تا شامگاه به شادی و سرور می‌پردازند و معتقد بودند در آن روز ایزد باران با دیو خشکسالی خواهد جنگید. ولی وقتی به معانی واژه‌ها نگاه کنیم برداشت دیگری از این واژه می‌توان داشت. «در» به جای «دره و دشت» می‌تواند جایگزین شود. به عنوان مثال، علامه دهخدا، واژه‌ی «در و دشت» را مخفف «دره و دشت» می‌داند. پس با نگاهی کلی می‌توان گفت واژه‌ی «سبزه به در» به معنای «سیزدهم به سوی در و دشت شدن» می‌باشد که همان معنی بیرون رفتن و در دامان طبیعت سر کردن را می‌دهد. مراسم سبزه به در، در طول تاریخ دچار تحولات و دگرگونی‌های زیادی شده. ایرانیان دوران باستان، پس از دوازده روز جشن و شادی که نمادی از دوازده ماه سال است، روز سیزدهم را به عنوان روزی نیکو و فرخنده به صحرا می‌رفتند تا سیاست‌گذار نعمت‌های آفریدگار باشند و برای بارش باران دعا می‌خواندند و جشن نوروز را به پایان می‌بردند. ریشه اصلی پیدایش روز سبزه به در فروردین به روشنی مشخص نیست اما برخی منابع آن را به دوران جمشید پادشاه اسطوره‌ای ایران نسبت داده‌اند، در روایات اینطور نقل شده که جمشید، شاه پیشدادی، روز سبزه نوروز (سبزه بدر) را در صحرای سبزو خرم خیمه و خرگاه بر پا می‌کند و بارعام می‌دهد و چندین سال متوالی این کار را انجام می‌دهد که در نتیجه این مراسم در



ادامه از صفحه قبل

یکی از مهم‌ترین مباحث پیرامون روز سیزده به در که اخیراً در بستر فضای مجازی بیشتر به چشم می‌خورد، نظریه‌ی انطباق این روز با جشن پوریم یهودیان است که بحث مفصلی را می‌طلبد. این مطالب حاکی از روایتی است که بر صحت و سقم آن تردید‌های فراوانی وارد است چرا که ما اثری از این روایات در هیچ منبع تاریخی به جز کتاب استر نمی‌یابیم؛ روایت اینگونه نقل می‌کند که در زمان خشایارشا، شاه هخامنشی دو تن از یهودیان به نام مردخای و استر که خواهر و برادر بودند، به هر نحوی به دربار خشایارشا نفوذ کردند و قصدشان این بود که تمام منسب‌های مهم امپراتوری ایران را در صد و بیست و هفت ولایت از آن یهودی‌ها کنند. هامان وزیر باهوش دربار به رفت و آمد استر و مردخای مشکوک شده و از قصد آنان مطلع می‌شود، موضوع را با خشایارشا در میان می‌گذارد و حکم برکناری یهودی‌ها از منسب‌های مهم در سرتاسر امپراتوری قدرت‌مند ایران را می‌گیرد. پس مردخای و استر با هر حیل و نیرنگی که شده حکم اعدام هامان و کشتار دسته‌جمعی ایرانیان در خاک خودمان را می‌گیرند. طبق این



روایت این روز یعنی سالروز قتل عام ۷۷۰۰۰ ایرانی (باید جمعیت ایران در ۲۶۰۰ سال پیش را در نظر گرفت، با توجه به آنکه جمعیت کم بوده است. این کشتار را می‌توان یک نسل‌کشی بحساب آورد)، مطابق با سیزدهمین روز سال نو بوده و عده‌ای از مردم برای فرار از این فاجعه و دشت‌ها پناه برده بودند و هرساله تحت عنوان عید پوریم توسط یهودیان جشن گرفته می‌شود. با این همه لازم به تاکید است که منتقدان تاریخ، روایت کتاب استر را روایتی تاریخی نمی‌شمارند و هیچ‌سندی تاریخی در دست نیست که صحت این ادعا را تایید کند. از طرفی بطور خلاصه می‌توان گفت که در الگوهای باستانی تقویم ایرانی و یهودی نیز نه تنها این دو واقعه هرگز بر هم منطبق نمی‌شوند بلکه اصولاً فاصله‌ی بیشتری را هم

ایران زمین به صورت سنت و آیین درمی‌آید و ایرانیان از آن پس سیزده بدر را بیرون از خانه در کنار چشمه سارها و دامن طبیعت برگزار می‌کنند. چیزی که واضح است آن است که در میان ایرانیان هرگز بحث نحسی سیزده به در مطرح نبوده. در دانشنامه مزدیسنا درباره سیزده به در آمده که: روز سیزدهم نوروز در ایران، همگان طبق یک رسم به بیرون از شهر رفته و به تفریح می‌پردازند تا نحوست این روز را به در کنند. اما باید گفت که ایرانیان باستان نه تنها این روز را نحس نمی‌دانستند بلکه بسیار نیکو و خجسته تلقی می‌کردند، در رابطه با فلسفه نحسی سیزده به در در میان صاحب نظران دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. در برخی منابع آمده که در سال ۵۲ میلادی یونانیان فلسفه نحوست روز سیزده به در را وارد فرهنگ ایران کردند. از طرفی یکی دیگر از فلسفه‌های نحوست این روز آن است که اخترشناسان قدیم معتقد بودند که این روز مصادف است با روز استقبال، یعنی روزی که آفتاب و ماه رو به روی هم قرار می‌گیرند و از آنجا که روز استقبال نحس بوده پس سیزده به در هم نحس قلمداد می‌شده. از طرف دیگر در برخی منابع اینگونه ذکر شده که فلسفه نحوست عدد سیزده در دوره صفوی و تحت تاثیر فرهنگ اروپایی به ایران راه یافته است. گروهی معتقدند که سیزده به در برخاسته از همزمانی این روز با فصل کارهای کشاورزی است و ظاهراً هدف از سیزده به در حاصلخیزی بیشتر کشتزارها و مزارع بوده. درست برخلاف امروز که در روز سیزده به در از جانب ما زبان‌های زیادی به طبیعت می‌رسد. در فرهنگ اساطیری برای رسومات سیزده به در معانی تمثیلی آورده‌اند از جمله: «شادی و خنده» در این روز به معنی فرو ریختن انبیشه‌های تیره و پلیدی است، «رو بوسی» نماد آشتی و پاکیزه گرداندن روح و نفس، و نیز «گره زدن سبزه» به معنی پیوند زن و مرد و ادامه نسل بوده است. «به آب انداختن سبزه‌های نوروز» نشان دهنده‌ی هدیه به ایزد آب بوده، گرچه برخی اینگونه می‌اندیشیدند که این کار خاطرات تلخ سال کهنه را می‌شوید و عده‌ای معتقد بودند که با این عمل سبزی بهار به سراسر زمین منتقل می‌شود. همچنین در آن روز مسابقات ویژه مثل سوارکاری نیز در روز سیزده به در صورت می‌پذیرفته. در آن دوره شهرها دارای دروازه‌های متعددی بودند که در این روز می‌بایست هر کس از دروازه‌ای بیرون رود و از دروازه دیگری باز گردد تا دیو شروری که همراه او بوده پشت دیوار شهر به انتظار او بماند و شخص سال خوبی را آغاز کرده و ادامه دهند، پس عده‌ای نیز بنا بر اعتقاد خود از خانه بیرون رفتن را به منظور دور کردن شیاطین می‌دانستند. نکته قابل توجه آن است که در کتاب آثارالباقیه ابوریحان بیرونی روز سیزدهم نوروز، روزی نیکو و خجسته و به منزله جشنی بزرگ تلقی شده.



ادامه از صفحه قبل

از یکدیگر دارند. در نهایت باید به یاد داشته باشیم همانگونه که کمتر شباهتی بین چارشنبه سوری و نوروز امروزی متداول در تهران و شهرهای بزرگ، با شیوه‌های اصیل و کهن آن وجود دارد، سیزده بدر امروزی نیز تنها نامی از یک جشن کهن را برخورد داشته و شباهت چندانی به آیین کهن و یادگار نیاکان ما ندارد. نحوه‌ی اجرای این جشن، مانند بسیاری از دیگر آیین‌های ایرانی، عمیقا از شیوه‌ی اصیل و باستانی خود دور شده است و به شکل فعلی آن، که دارای سابقه‌ی تاریخی در ایران نیست بدل شده. اگر در گذشته مادران و پدران ما، سبزه‌های نوروزی خود را در این روز به صحرا می‌برده و برای احترام به زمین و گیاه، آن را در آغوش زمین می‌کاشته‌اند، امروزه ما آن را به سوی یکدیگر پرتاب می‌کنیم و تکه تکه‌اش می‌کنیم. سبزه بدر پیشینیان ما، روزی برای ستایش و دعا برای طلب باران فراوان در سال پیش رو، برای گرامیداشت و پاکیزگی طبیعت و مظاهر آن، و زیست بوم مقدس آنان بوده است. در حالیکه امروزه روز ویرانی و تباهی طبیعت است. چهارده به در اصطلاحی است که به جای سیزده به در در مواردی به کار می‌رود و منظور آن گشت و گذار در طبیعت در روز ۱۴ فروردین است. برخی اهالی مناطق مختلف ایران مثل خرم آباد به جای سیزدهم فروردین، روز چهاردهم را به تفریح در طبیعت اختصاص می‌دهند آن‌ها ۱۳ فروردین را در خانه می‌مانند و آن را سیزده غریب می‌نامند. این به این مفهوم است که در این روز مردم غیر بومی خرم آباد برای تفریح بیرون می‌روند و خود خرم آبادی‌ها یک روز بعد به دامن طبیعت می‌روند.

منابع

سیزده به در در آیین فرهنگ ایرانی؛ حسین تجدد





جای خالی در تقویم امروز ما

مروری بر جشن‌های مهم ایران باستان

سپیده رضایی / کارشناسی جامعه‌شناسی

ایرانیان از گذشته به جشن و پایکوبی علاقه داشتند و به هر بهانه ای جشنی برپا می‌کردند. جشن‌های ایران باستان یکی از قدیمی ترین اتفاقات تاریخی به شمار می‌آید که پژوهشگران از آن به عنوان منبع معتبری برای تحقیقات خود استفاده میکنند تا جایی که برخی از این جشن‌های باستانی در فهرست میراث معنوی ایران و یونسکو ثبت شده است. در ایران باستان در روزهای بخصوصی از سال جشن‌هایی ترتیب داده میشد که امروزه به جشن‌های ایرانیان باستان معروف است. عمر برخی از جشن‌های ایرانیان باستان با عمر این ملت و مردم برابر است. پاره‌ای از جشن‌های ایران چون نوروز و مهرگان و گاهنبارها که ریشه‌ای طبیعی دارند، از یاد، تاریخ، رسوم، آداب و زندگی مردم ایران جدا نیست، همه‌ی این معتقدات و آداب و رسوم، از جمله جشن‌ها هویت و خصایل و ویژگی‌های ماست. در ایران قدیم هر روز ماه نام به خصوصی داشت و یک روز از ماه هم‌نام خود ماه بود؛ جشن‌های باشکوهی ترتیب داده می‌شد و بدین ترتیب علاوه بر جشن‌های بخصوص در سال ۱۲ روز عید محسوب می‌شد این ۱۲ روز عبارت بودند از:

جشن فرورگان

این جشن برای مردم ایران باستان روز بزرگداشت درگذشتگان بود و آن‌ها با رفتن به آرامستان بر سر مزار رفتگان خود شادی نوروز را در کنار آن‌ها برگزار میکردند. مردم ایران باستان اعتقاد داشتند که ارواح درگذشتگان آن‌ها می‌توانند در این شادی با آن‌ها سهیم شوند. از آداب برگزاری جشن فرورگان میتوان به برپایی آتش و روشن کردن عود بر سر مزار مردگان اشاره کرد. در این روز مردم، آرامگاه درگذشتگان را با آب و گلاب می‌شستند و گل و گیاه بر سر مزار آن‌ها می‌گذاشتند. در حال حاضر نیز افراد بسیاری در استانه سال نو یا پس از تحویل سال به آرامستان‌ها و سر مزار درگذشتگان خود می‌روند و به این ترتیب آغاز سال جدید را با عزیزان درگذشته خود جشن می‌گیرند. در فروردین ماه جشن‌های دیگری نیز برگزار می‌شد که یکی از معروف‌ترین آن‌ها جشن سروش روز در روز ۱۷ فروردین بود. این جشن در نکوداشت «سروش» ایزد که نگهبان بیداری بوده، برگزار می‌شده است.

جشن اردیبهشتگان

این جشن را با نام «گلستان جشن» نیز می‌شناختند و از جشن‌های باستانی آتش به شمار می‌رود. به دلیل همزمانی جشن اردیبهشتگان با فصل شکوفایی گل‌ها و سرسبزی باغ‌ها، این مراسم با گل‌های فراوان برگزار میشود.

جشن خردادگان

جشن خردادگان در زبان اوستایی خرداد «هنروروتات» نام دارد و معنی رسایی و کمال می‌دهد. این جشن را ایرانیان باستان در نکوداشت رسایی و کمال اهورامزدا برگزار می‌کردند. آداب جشن خردادگان شامل رفتن مردم به سمت سرچشمه رودها یا دریاها و رودخانه‌ها می‌شود؛ و با خواندن نیایش و دعا، همراه با خانواده‌های خود به شادی می‌پرداختند. این روز زمان مناسبی برای ساخت و بازسازی کاریزها نیز بود. کاشت بذر و دانه‌هایی مانند کنجد نیز در این جشن رواج داشت. در متون فارسی کهن از گل سوسن به عنوان نشانه جشن خردادگان یاد می‌شود.

جشن تیرگان

جشن تیرگان از مهم‌ترین جشن‌های ایران باستان است که در تاریخ سیزدهم تیر ماه برگزار می‌شود. در طول سالیان اخیر «برگزاری جشن تیرگان در برخی استانها» به عنوان یکی از میراث معنوی کشور در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. جشن تیرگان در فراهان استان مرکزی و جشن تیرگان در استان گیلان که با نام «تیرماسینه» شناخته می‌شود، در این فهرست به چشم می‌خورند. دو روایت مختلف به فلسفه جشن تیرگان اشاره می‌کنند. در روایت نخست، جشن تیرگان در سالروز رها شدن تیر از کمان آرش کمانگیر برای مشخص کردن مرز میان سرزمینهای ایران و توران برگزار می‌شود. طبق این روایت، آرش در این روز با قدرت زیاد، از بالای کوه دماوند برای پایان دادن به جنگ میان ایران و توران، تیری پرتاب کرد که به هدف رسیدن آن نیمی از روز به طول انجامید. روایت دیگر به روز نبرد فرشته باران یا «تیشتر» با دیو خشکسالی یا «اپوش» اشاره میکند. در این نبرد نخست تیشتر مغلوب دیو خشکسالی می‌شود؛ اما عاقبت، با یاری گرفتن از اهورامزدا، می‌تواند اپوش را شکست دهد. در بعضی از کتاب‌های تاریخی ایران باستان از دو روز تیرگان کوچک و بزرگ نام برده‌اند



جشن آبانگان

در دوران باستان و در زمان جنگ‌های بین ایران و توران، افراسیاب دستور به ویرانی کاریزها و نهرها داد. پس از پیروزی «زو» پسر شاه تهماسب بر افراسیاب، کاریزها بازسازی شدند و آب در آن‌ها روان شد. بر اساس روایتی دیگر پس از جنگ این دو پادشاه، خشکسالی چندساله به پایان رسید و در این روز باران بارید و به همین دلیل این روز را جشن آبانگان نام دادند. در این جشن مردم با پوشیدن لباس‌های سفید کنار رودها و چشمه سارها می‌رفتند و با خود خوراکی و نوشیدنی می‌بردند. این جشن نیز مانند سایر جشن‌های ایران باستان با خواندن دعا، نیایش، اوستا و سرود آغاز می‌شد و با پایکوبی ادامه پیدا می‌کرد.

جشن آذرگان

جشن آذرگان در روز نهم ماه آذر برگزار می‌شود و از جشن‌های آتش در ایران باستان به شمار می‌رود. از مهم‌ترین کارها در روز جشن آذرگان، رفتن به آتشگاه‌ها و افروختن آتش بوده است که امروزه نیز توسط زرتشتیان انجام می‌شود. در زمان باستان ایرانیان این جشن را با افروختن آتش بر بام خانه‌ها و جشن و پایکوبی برگزار می‌کردند. خواندن دعا و نیایش توسط موبدان و گسترده سفره‌های خوراکی از دیگر آداب برگزاری این جشن بودند. جشن آذرگان هنوز هم در شهرهایی مانند کرمان، یزد، شیراز و تهران، توسط زرتشتیان برپا می‌شود.

جشن دیگان (خرم روز)

جشن دیگان یا «خرم روز» در روز نخست از ماه دی برگزار می‌شده است. ماه دی را در زمان باستان «خور ماه» و روز نخست آن را «خوره روز» می‌نامیدند. در این جشن مردم و پادشاهان لباس ساده می‌پوشیدند و با برابری در کنار هم به شادی می‌پرداختند. دستور دادن نیز در این روز ممنوع بود و همه کارها از روی میل و رغبت انجام میشد. جنگ، شکار و خونریزی نیز در این روز ممنوع بودند. به دلیل قرار گرفتن روز جشن دیگان پس از شب یلدا، مردم ایران باستان در این روز به استراحت می‌پرداختند.

جشن بهمنگان

از مهم‌ترین آداب جشن بهمنگان پرهیز از کشتار حیوانات و خوردن گوشت آن‌ها بود. بعضی از زرتشتیان تا پایان بهمن ماه این آداب را همچنان رعایت می‌کردند. در این جشن نیز همانند دیگر جشن‌های ایران باستان پوشیدن لباس سفید متداول بود و خروس و گل نشانه‌های این جشن می‌دانستند.

ادامه از صفحه قبل

که به ترتیب زمان پرتاب تیر آرش و روز اعلام محل فرود آمدن آن هستند. از برجسته‌ترین آیین جشن تیرگان می‌توان آب پاشی، فال کوزه و دستبند تیر و باد را نام برد. آبپاشی به یکدیگر، در کنار رودها انجام می‌شد و برای رفع گرمای تیر ماه بود. تیربرو، باد بیا، غم برو، شادی بیا محنت برو، شادی بیا، خوشه مرواری بیا جشن تیرگان در حال حاضر نیز یکی از متداول‌ترین جشن‌ها بین ایرانیان و زرتشتیان جهان است که در نقاط مختلف آن را در یکی از تاریخ‌های یکم تا سیزدهم تیرماه برگزار می‌کنند.

جشن امردادگان

در زبان اوستایی امرداد به معنی زنده و هستی‌زا و مخالف مرگ و نیستی است. در طول زمان واژه مرداد جایگزین امرداد شده است و مردادگان نیز به جای امردادگان استفاده می‌شود که درست نیست. «مرداد» معنای مرگ و نیستی دارد که با افزودن «ا» به آغاز آن، معنی کلمه به زندگی تغییر میکند. جشن امردادگان پر از شادی و نشاط بوده و برای برگزاری آن ایرانیان باستان به دشت‌های سرسبز و فضاهای باز می‌رفتند و نشانه جشن امردادگان گل زنبق است.

جشن شهر یورگان

این جشن از معروف‌ترین جشن‌های ایران باستان به شمار می‌رود و بنا بر روایت‌های موجود، در زمان‌های بسیار دور روز مهرگان زمان شروع سال جدید برای ایرانیان بوده است. ایرانیان باستان این روز را روز قیام کاوه اهنگر و پیروزی او بر ضحاک نیز میدانستند و در جشن مهرگان به شادی می‌پرداختند. در واپسین روزهای فرمانروایی کوروش، روز نخست سال به آغاز فروردین تغییر کرد و نوروز نامیده شد. نامگذاری این جشن به نام مهرگان بر طبق منابع تاریخی از روی نام الهه مهر یا میترا بوده است. میترا از ارزش‌ترین الهه‌ها و سرچشمه نیکی، دوستی و راستی و دشمن دروغ و ناپاکی است. برگزاری جشن مهرگان با شادی و پایکوبی و هدیه دادن به یکدیگر همراه بود. در این روز مردم خانه‌ها و خیابان‌ها را آب و جارو می‌کردند و لباس ارغوانی می‌پوشیدند، خوراکی‌های مختلفی آماده می‌کردند و به شعر خوانی و نواختن موسیقی می‌پرداختند. از دیگر آداب متداول در جشن مهرگان پهن کردن سفره مهرگان گرداگرد آتش بود. در این سفره از آب و گلاب گرفته تا انواع شیرینی و شربت، اجیل و خشکبار و میوه‌های رنگارنگ می‌گذاشتند و بالای سفره را با اینه، شمعدان، گل و گلدان تزئین می‌کردند.



ادامه از صفحه قبل

جشن سپندارمذگان

در این جشن مردان برای بانوان خود هدیه تدارک می‌دیدند و آنان را گرمی می‌داشتند. در این روز تواضع، بردباری و محبت اهورامزدا را ستایش و زن را به عنوان نشانه‌ای از این صفات ایزد نکوداشت می‌کردند. از آداب این روز پوشیدن لباس‌های فاخر و زیبا توسط زنان و بر تخت نشستن و فرمانروایی بانوان در منزل بوده است. محبت و عشق مفاهیم اصلی این جشن بودند و در سالهای اخیر نیز در فرهنگ ایرانی از این روز با نام روز عشق یاد می‌شود. در حال حاضر نیز زرتشتیان این روز را با عنوان روز زن و مادر برگزار می‌کنند و در بعضی شهرها مانند یزد و روستاهای اطراف آن، این مراسم باشکوه بسیار برپا می‌شود. جشن «نوروز رودها» نیز دیگر جشن اسفند ماه بوده است که آن را در تاریخ ۱۹ اسفند برگزار و در آن رودها را پاکسازی و عطر و گلاب پاشی می‌کردند.

جشن‌های گاهنبار

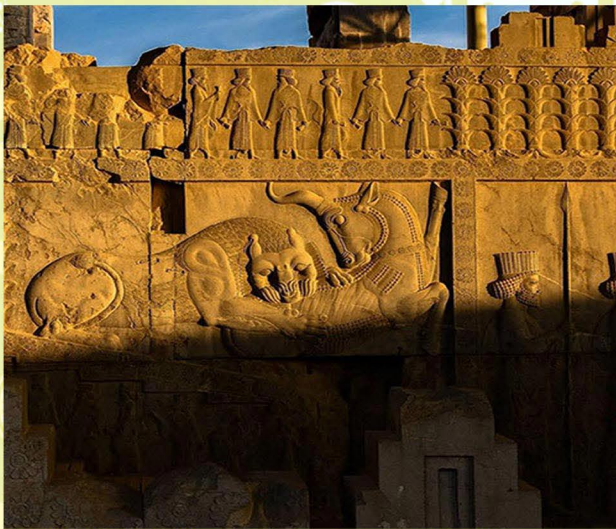
زرتشتیان در زمان باستان به نقل از زرتشت در اوستا، ۶ گاهنبار را زمان آفرینش جهان می‌دانستند و این روزها را جشن می‌گرفتند. هر جشن گاهنبار پنج روز طول می‌کشیده است و آخرین روز مهم‌ترین روز در جشن‌های گاهنبار به شمار میرفت. این گاهنبارها به شرح زیر هستند: گاهنبار «میدیوزم» که در روز پانزدهم اردیبهشت قرار دارد و خداوند در این روز آسمان را آفرید. گاهنبار دوم، «میدیوشم»، در پانزدهم تیرماه و زمان آفرینش آب است. روز ۳۰ شهریور نیز زمان آفرینش زمین است که گاهنبار «پتیهشمیم» نامیده می‌شود. گاهنبار «ایاسرم» در ۳۰ مهر زمان خلق گیاهان و گاهنبار «میدیارم» در ۲۰ دی نیز زمان آفرینش جانوران است. آخرین گاهنبار «همسپتمیدیه» نام دارد و در آخرین روز سال، زمان آفرینش انسان است. ایرانیان در زمان باستان این روزها را جشن می‌گرفتند و همزمان با شادی و پایکوبی به نیازمندان رسیدگی می‌کردند. این جشن‌ها برای کشاورزان دارای اهمیت بود و معتقد بودند که برگزاری این جشن‌ها خیر و برکت فراوان برای محصول آن‌ها خواهد داشت. اساس و پایه همه جشن‌های سالانه گاهنبار نیز بر پایه نیکی و درستی قرار داشت و آیین تشکیل‌دهنده این جشن‌ها شامل کمک به زرتشتیان نیازمند و نیکی به هم‌نوعان میشد. جشن‌های گاهنبار به نام جشن‌های فصلی نیز شناخته می‌شدند. در این جشن‌ها ابتدا موبدان به ستایش اهورامزدا و نیایش و دعا می‌پرداختند و سپس همه زرتشتیان از غنی‌ترین آن‌ها گرفته تا ضعیف‌ترین در کنار یکدیگر با پوشش‌های یکسان به شادی می‌پرداختند.

مهمترین جشن‌های ایران باستان

در میان جشن‌های ایران باستان، جشن‌های نوروز و شب یلدا جایگاه ویژه‌ای دارند که همچنان در خانواده‌های ایرانی باشکوه فراوان برگزار میشوند.

جشن‌های آتش در ایران باستان

آتش در زمان ایران باستان مهم‌ترین عنصر طبیعی جهان در میان چهار عنصر آب، باد، خاک و آتش به شمار می‌رفت. بر همین اساس ایرانیان باستان جشن‌های سنتی زیادی بر مبنای نکوداشت آتش برگزار می‌کردند. در میان این جشن‌ها، اردیبهشتگان، شهریورگان و آذرگان که از جشن‌های ماهانه در ایران باستان بودند نیز قرار می‌گیرند که در قسمت‌های قبل به معرفی آن‌ها پرداختیم. از دیگر جشن‌ها می‌توان به سده، نوسره و چهارشنبه سوری که در حال حاضر هم برگزار می‌شود اشاره کرد. مواردی که به اختصار اشاره شد، بخشی از جشن‌هایی است که در ایران باستان برگزار می‌شده و موجب شادی، اتحاد، همبستگی و یکپارچگی بوده است.



منبع

آذر گشب اردشیر، جشن‌های ایران باستان، انجمن فرهنگ ایران باستان دوره ششم مهر ۱۳۴۷ شماره ۲



دو لبه یک قیچی

اسلام و ایران به مثابه دو خط موازی

فاطمه امیری / کارشناسی تاریخ

را تحت نفوذ و تاثیر خود قرار داد. گرچه پیش از ورود اسلام یعنی در ایران عصر ساسانی دین زرتشت، دین رسمی مردم محسوب می‌شد اما شاهد حضور اقلیت‌های زیادی نیز در آن زمان هستیم، خواه ادیان و مذاهبی که انشعاباتی از دین زرتشت به شمار می‌رفتند، خواه ادیانی که هیچ ارتباطی با دین زرتشت نداشتند. همین تعدد ادیان و مذاهب زمینه بروز اختلافات درونی را فراهم کرد و از عوامل موفقیت اسلام در ایران تلقی می‌شود. اسلام توانست این تشتت ادیان و مذاهب را تا حدی از ایران بگیرد و به جای آن وحدت عقیده برقرار سازد، بنابراین با گذشت زمان ایرانیان توانستند فکر و آرمان واحد پیدا کنند. اسلام حصار مذهبی و سیاسی که گردا گرد ایران کشیده شده بود و نمی‌گذاشت ایرانی استعداد خویش را در میان ملت‌های دیگر بروز دهد و از طرفی به دلیل اختلافات سیاسی و مذهبی اجازه نمیداد این ملت از محصول اندیشه سایر ملل مجاور یا دور دست استفاده کند، درهم شکست. دروازه‌های سرزمینهای دیگر را به روی ایرانی و دروازه ایران را به روی فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر باز کرد. از این دروازه‌های باز دو نتیجه برای ایرانیان حاصل شد: یکی اینکه توانستند هوش و لیاقت و استعداد خویش را به دیگران عملاً ثابت کنند به طوری که دیگران آن‌ها را به پیشوایی و مقتدایی بپذیرند. دیگر اینکه با آشنا شدن به فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر توانستند سهم عظیمی در تکمیل و توسعه یک تمدن عظیم جهانی به خود اختصاص دهند. نکته مهم دیگر برداشتن مانع تحصیلی از سر راه توده مردم ایران بود که قبلاً رژیم موبدی به وجود آورده بود. اسلام اعیان و اشراف را نمی‌شناخت و علم را به طبقه روحانی و یا طبقات دیگر اختصاص نمی‌داد؛ از نظر اسلام مردم عادی همان اندازه حق تحصیل و آموزش دارند که فلان شاهزاده؛ از قضا نوابغ از میان همین مردم عادی ظهور می‌کنند. برداشتن این مانع داخلی و آن مانع خارجی سبب شد که ایرانیان مقام شایسته خویش را چه از نظر پیشوایی سایر ملل و چه از نظر شرکت در بنای عظیم تمدن جهانی اسلام احراز کنند. اسلام، ایرانی را هم به خودش شناساند و هم به جهان، معلوم شد که آنچه درباره ایرانی گفته شد که نبوغ و استعدادش فقط در جنبه‌های نظامی است و جنبه علمی ندارد غلط است؛ عقب افتادن ایرانی در برخی

خدماتی که یک مسلک و دین میتواند به ملتی داشته باشد غالباً از نوع خدمات غیر ملموس‌اند و تاثیر آن‌ها در جهان‌بینی و اندیشه ملت ظاهر میشود. همچنین میتواند عامل محرک و انگیزه‌بخش در بسیاری از وقایع به شمار رود. از طرفی دیگر هر ملتی قادر است با خدمتی که در قالب ترویج و اشاعه آن دین می‌کند، آن را تا قله جهانی شدن بالا ببرد و موجب شود تا ملل دیگر نیز با جان و مال خود به حفاظت از آن برخیزند. اسلام، دولت‌ها و ملت‌های گوناگونی را ذیل پرچمی واحد گرد آورد که از میان آنان ایرانیان سهم بسزایی داشتند و توانستند با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلام و نیز فرهنگ و تمدنی غنی، خود به یکی از مهم‌ترین بلاد اسلامی بدل شوند. تاکید و توصیه مکرر اسلام به فراگیری دانش و جست‌وجوی علم راهی شد برای ایرانیانی که خردگرایی را همواره در تاریخ خود پررنگ میدیدند تا مصداق «اطلب العلم ولو بالصین» باشند و با تلفیق هویت ملی، دینی و مذهبی خود سازنده‌ی تمدنی عظیم و وسیع باشند. ایران نه آن کشوری است که به وسیله ورود اسلام، تمام دارایی‌های مادی و غیرمادی و تمدن و فرهنگ خود را از دست داده و دچار وضعی فلاکت بار شده باشد؛ و نه آن کشوری است که پیش از ورود اسلام در جاهلیت عمیقی فرو رفته باشد و با پذیرش اسلام به تازگی عناصر فرهنگ و تمدن را در خود بیابد؛ در جریان داوری در مورد ورود اسلام به ایران می‌بایست دقیق عمل کرد و مرز این دو عقیده رایج را از هم تشخیص داد تا در دام هیچ یک از این دو نیفتد. نکته قابل تامل آن است که تعامل ایران و اسلام را باید تعاملی دو جانبه میان کشوری با سابقه فرهنگی و تاریخی کهن و درخشان، و در مقابل دینی با مفاهیم انسان دوستانه و مترقی تلقی کرد که هر یک به گونه‌ای طی قرون متعدد موجب رشد و تعالی یکدیگر شدند تا جایی که ایران به یکی از مهم‌ترین کشورهای گوستاولوبون در تاریخ تمدن اسلام و عرب میگوید: «شریعت و آیین اسلام در اقوامی که آن را قبول نمودند تاثیر بسزایی بخشیده است، در دنیا کمتر مذهبی پیدا شده که به قدر اسلام در قلب پیروانش نفوذ و اقتدار داشته باشد» از طرفی باید به یاد داشته باشیم که پذیرش اسلام در ایران نه به صورت دفعی و فوری بلکه کاملاً تدریجی بود و بسیاری حاضر نبودند به سهولت نظام اعتقادی پیشین خود را رها کنند. اما با این وجود و با گذر زمان روح مردم



ادامه از صفحه قبل

دوره‌ها از نقص استعدادش نبوده بلکه بواسطه گرفتاری در زنجیر رژیم موبدی بوده است و لذا همین ایرانی در دوره اسلامی نیوع علمی خویش را در اعلی درجه نشان داد. در مقابل کنش‌هایی که ایرانیان نسبت به دین اسلام در طول سالیان داشتند به طور خواسته یا نخواستہ موجب رشد و ارتقای بیشتر این دین شد و در حوزه خدمت به اسلام هیچ کشوری اعم از عرب و غیر عرب جایگاهی نزدیک به ایران ندارد و کشور ایران از این حیث بی‌نظیر است. گرچه نمیتوان ادعا کرد که همه ایرانیان نسبت به اسلام مخلص و خدوم بودند اما با نفوذ تدریجی دین اسلام به روح و قلب مردم می‌توان گفت که اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان با انگیزه خدمت به اسلام پیش می‌رفتند. درسه قرن اولیه اسلام مکتب‌های نیشابور، هرات، بلخ، مرو، بخارا، سمرقند، ری و اصفهان مرکز فعالیت های مهم به شمار می‌رفتند و صدها تن از رجال برجسته اسلام در این مراکز تربیت شدند و تمدن اسلام را درخشان تر کردند. همچنین باید در نظر داشت که ایرانیان به خصوص در ناحیه خراسان در موضوع علم حدیث سهم موثری داشتند و بنابر گفته شهید مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران، باید آنان را مؤسس مکتب علم الحدیث نامید. حتی در بحث مذاهب دین اسلام باید توجه داشت که تمامی اصحاب سته اهل سنت و مولفین کتب اربعه شیعه ایرانی بودند و همچنین از امامان اربعه اهل تسنن دو نفر ایرانی بودند که از خراسان برخاستند. در به قدرت رسیدن و کسب اقتدار دومین سلسله اسلامی یعنی عباسیان، بازهم این ایرانیان بودند که پررنگ‌ترین نقش را ایفا کردند و موفق شدند مهم‌ترین مناسب دولتی و دیوانی عباسیان را به عهده بگیرند و اولین قدم‌ها را در راستای کسب استقلال سیاسی ایران که سال‌ها بعد به وقوع پیوست، بردارند. از طرفی غزنویان، سلسله ترک تبار ایرانی همان‌هایی هستند که اسلام را به هندوستان بردند، اگرچه حملات غزنویان به هند جنبه سیاسی و مالی داشت و چندان انگیزه گسترش اسلام در این میان مطرح نبود! این سربازان ایرانی بودند که اسلام را به آسیای صغیر بردند، نه عرب و یا قومی دیگر. نکته شایان توجه در این میان آن است که طی قرون دوم و سوم، از جانب ایرانیانی که هنوز به دین اسلام گرایش پیدا نکرده بودند نهضت‌هایی صورت می‌گرفت که جنبه ضد اسلامی داشت، این نهضت‌ها نه توسط اعراب مسلمان، بلکه توسط ایرانیان مسلمان سرکوب می‌شد. به وضوح میتوان دریافت که اگر سرداران و سربازان ایرانی نبودند هرگز اعراب قادر نمی‌شدند قیامی که در

آذربایجان توسط بابک خرمدین رهبری میشد را دفع نمایند. همچنان که می‌دانیم، نقش آفرینی ایرانیان مسلمان در حوزه علوم مختلف بر کسی پوشیده نیست. ایرانیان مسلمانانی مثل: ابن سینا، ابوحامد کرمانی، ابوریحان بیرونی، جابر بن حیان، خوارزمی، خواجه نصیرالدین طوسی، شیخ بهایی، غیاث الدین جمشید کاشانی، قطب الدین شیرازی، ابوالقاسم عنصری، سنایی غزنوی، نظامی گنجوی و... که شاهکارهایی در تمام حوزه‌های شعر و ادبیات، نجوم و ستاره‌شناسی، طب و ریاضیات و هنر و دهها حوزه دیگر در جهان اسلام پدید آوردند، نام پر افتخارشان تا ابد بر تارک دنیا خواهد درخشید. بنابراین میتوان گفت تمدن اسلام بیش از هر ملتی و امم دار ایران است؛ و اسلام نه تنها در مقابل فرهنگ و تمدن ایران ایستادگی نکرد بلکه بسیاری از سنت‌های کهن ایرانی در قالب آیین اسلام و در دوره‌های اسلامی احیا شد پس تعامل میان تمدن اسلام و ایران تعاملی دو سویه است که هر دو از این تعامل نهایت استفاده را کردند.

منابع

خدمات متقابل اسلام و ایران شهید مطهری

فرهنگ اسلامی: مفاهیم، ویژگی‌ها و اصول، محمد رحیم عیوضی



عکس های شما

عکاس: فاطمه امیری / کارشناسی تاریخ

